

Components, Damages and Strategies of Desirable Social Communication in the Islamic Lifestyle from the Perspective of the Holy Quran

ARTICLE INFO

Article Type
Research Article

Authors
Fatemeh Seifalie*
Sohrab Morovati

How to cite this article

Fatemeh Seifalie, Sohrab Morovati, Components, Damages and Strategies of Desirable Social Communication in the Islamic Lifestyle from the Perspective of the Holy Quran, *Journal of Islamic Life Style Centered on Health*, 2023:7: 461-470.

1. PhD, Iran (Corresponding Author).
2. PhD, Iran.

* Correspondence:
Address:
Phone:
Email: seyfalie@yahoo.com

Article History
Received: 2022/11/17
Accepted: 2023/05/29

ABSTRACT

Improving the quality level of relationships and benefiting as much as possible from social life is one of the moral and educational goals of the Quran, which is expressed in the social verses. This is an interdisciplinary and applied research paper with the aim of extracting and representing the components, harms and strategies of optimal social communication and the link between Quranic teachings and modern sciences, carried out by the method of qualitative content analysis and combining the triangle of behavior mechanism (cognition, emotion, behavior). and Bandura's social cognitive theory (personal, environmental, behavioral determinants) and by following the three stages of pathology (identification, diagnosis, prevention or treatment) has achieved an innovative structure in providing a model for optimal communication that is in accordance with the findings of psychological science and the teachings Quran confirms it. Based on the verses, this research has firstly identified the components of the desired communication, then diagnosed the damages and finally presented strategies to increase the quality of communication and prevent and treat its damages in four cognitive, emotional, behavioral and environmental dimensions. The result is that components such as: self-awareness, self-control, communication skills in the individual dimension and trust, security, justice, and social support in the environmental dimension can play a significant role in creating and maintaining a desirable relationship. In the diagnosis stage, harms such as: narcissism, incompatibility, and violation of rights in the individual dimension and individualism, partisanship, class differences, and conflict in the environmental dimension can take the relationship out of the desired and effective state. In the prevention and treatment phase, guides such as: intellectual discipline, emotional discipline and speech discipline; Each one has a systematic structure that can create a huge change in the direction of improving social relations.

Keywords: Optimal Communication, Component, Damage, Strategy, Holy Quran.

فاطمه سیفعلی ثی*

دکتری تخصصی، ایران (نویسنده مسئول).

سهراب مروتی

دکتری تخصصی، ایران.

چکیده

ارتقاء سطح کیفی روابط و بهره‌مندی هر چه بیشتر از زیست اجتماعی یکی از اهداف اخلاقی و تربیتی قرآن است که در آیات اجتماعی نمود یافته است. این نوشتار پژوهشی میان‌رشته‌ای و کاربردی است که با هدف استخراج و بازنمایی مؤلفه‌ها، آسیبها و راهبردهای ارتباط مطلوب اجتماعی و پیوند بین آموزه‌های قرآنی و علوم روز، به روش تحلیل محتوای کیفی انجام شده و با تلفیق مثلث مکانیزم رفتار(شناخت، هیجان، رفتار) و تئوری شناختی اجتماعی بندورا(تعین‌کننده‌های شخصی، محیطی، رفتاری) و با پیگیری مراحل سه‌گانه آسیب‌شناسی(شناسایی، تشخیص، پیشگیری یا درمان) به ساختاری نوآورانه در ارائه مدلی برای ارتباط مطلوب دست یافته که هم مطابق با یافته‌های علم روانشناسی است و هم آموزه‌های قرآنی آن را تأیید می‌نماید. این پژوهش با تکیه بر آیات ابتدا به شناسایی مؤلفه‌های ارتباط مطلوب، سپس تشخیص آسیبها و در نهایت ارائه راهبردهایی برای افزایش کیفیت ارتباطات و پیشگیری و درمان آسیب‌های آن در چهار بعد شناختی، هیجانی، رفتاری و محیطی پرداخته است. نتیجه آنکه مؤلفه‌هایی چون: خودآگاهی، خودمهارگری، مهارتهای ارتباطی در بعد فردی و اعتماد، امنیت، عدالت، و حمایت اجتماعی در بعد محیطی می‌تواند نقش چشمگیری در ایجاد و استمرار ارتباط مطلوب داشته باشد. در مرحله تشخیص، آسیبهایی چون: خودشیفتگی، ناسازگاری، و تضییع حقوق در بعد فردی و فردگرایی، حزب‌گرایی، اختلاف طبقاتی و تعارض در بعد محیطی می‌تواند روابط را از حالت مطلوب و مؤثر خارج نمایند. در مرحله پیشگیری و درمان نیز راهبردهایی چون: انضباط فکری، انضباط هیجانی و انضباط گفتاری؛ هر یک دارای ساختاری نظام‌مند می‌باشد که می‌تواند تحولی عظیم در جهت بهبود روابط اجتماعی ایجاد نماید.

کلیدواژه‌ها: ارتباط مطلوب، مؤلفه، آسیب، راهبرد، قرآن کریم.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۲۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۰۸

*نویسنده مسئول: seyfalie@yahoo.com

مقدمه

یکی از مهمترین ابعاد زندگی انسان‌ها بعد اجتماعی است. فردی که در اجتماع زندگی می‌کند باید بتواند به خوبی با دیگران ارتباط برقرار نماید، با آنها همکاری کند و جامعه را با مصالحی محکم و استوار بنا نهد.

نگاهی کوتاه به وضع جوامع امروزی نشانگر اختلالات، آسیبها و گسست‌هایی است که در اثر عدم توانایی و مهارت در برقراری ارتباط دامنگیر روابط میان‌فردی شده است. اهمیت مسئله آنجا خود را بیشتر نشان می‌دهد که مشاهده می‌شود تحصیل‌کرده‌گان در سطوح بالای دانشگاهی، اگرچه معمولاً از هوش‌بهر شناختی بالایی برخوردارند، اما در ارتباطات خود دارای اختلالات و مشکلاتی هستند که همواره بخشی از فضای ذهنی آنها را درگیر می‌نماید. به همین لحاظ بررسی بعد عملی و اجرایی روابط اجتماعی و آسیب‌های آن در فرایند تربیت اجتماعی از اهمیت بسزایی برخوردار است.

در این راستا اگر بتوان فراگرد ارتباط بین انسان‌ها را به درستی بررسی نمود و قوانین حاکم بر آن را دریافت، بدون شک این قابلیت در افراد ایجاد می‌شود که در ارتباط با دیگران موفق‌تر عمل نمایند. نوشتار حاضر با همین هدف تلاش نموده با پیوند بین آموزه‌های قرآنی و علوم روز به شناسایی دقیق مؤلفه‌ها، آسیبها و راهبردهای ارتباط مطلوب بپردازد و فرایند زیبایی را طراحی کند که با بکارگیری آن آسیب‌ها را به حداقل رسانده و توان هم‌افزایی افراد جامعه را در برقراری ارتباط با دیگران ارتقاء بخشد. درواقع پژوهش حاضر به شیوه‌ای علمی به دنبال شناسایی ابعاد مختلف روابط اجتماعی از منظر آیات قرآن است تا در پرتوی روشنی و هدایتگری آن توانایی افراد در برقراری روابطی مطلوب و مؤثر افزایش یابد، تا بتوانند اختلال در ارتباطات را به حداقل کاهش داده و روابط آسیب‌دیده را ترمیم و اصلاح نمایند.

بنابراین پژوهش حاضر به این سؤال پاسخ می‌دهد که ارتباط مطلوب در قرآن کریم چگونه تبیین شده است؟ مؤلفه‌های ارتباط مطلوب کدامند؟ چه مواردی می‌توانند موجب ایجاد اختلال و آسیب در روابط گردند؟ و در نهایت قرآن کریم چه راهبردهایی را برای ایجاد و استمرار ارتباط مطلوب ارائه نموده است؟

لازم به ذکر است که هر بخش پژوهش موارد متعددی را شامل می‌شود که به دلیل محدودیت کلمات، این نوشتار در هر بخش تنها به یک مورد پرداخته است.

پیشینه پژوهش

به دلیل اهمیت موضوع و نقش آن در زندگی انسان پژوهشهای بسیاری بر روی موضوع انجام شده است که احصاء همه آنها در این مجال نمی‌گنجد به همین دلیل تنها بیان به نزدیکترین مطالعات انجام شده با موضوع اکتفا می‌شود.

۱. اصول و راهبردهای ارتباطات اجتماعی بر اساس آموزه‌های دینی و روانشناسی، علی احمد پناهی، ۱۳۹۳. این مقاله شاخص‌ترین اصول و راهبردهای تعامل اجتماعی که مستند به آموزه‌های دینی و روانشناسی است را تبیین نموده است.

۲. الگوی روابط اجتماعی بر مبنای قرآن، نرگس موحدی، ۱۳۹۳. این مقاله پنج الگوی رفتاری قرآنی مطابق سرشت انسانی افراد اجتماع را به عنوان الگوهای روابط اجتماعی عرضه نموده است.

۳. بررسی اصول روابط بین فردی بر اساس آموزه‌های سوره حجرات و مدلبابی محتوایی از این آموزه‌ها، مرتضی کرمی، سید صدرالدین شریعی، معصومه اسمعیلی، ۱۳۹۲. این مقاله اصول ارتباطی بین فردی، آداب روابط بین فردی، و موانع ارتباطی را از سوره حجرات استخراج و تبیین نموده است.

۴. ویژگی‌های اخلاقی جامعه مطلوب در اندیشه علامه طباطبایی، مهدی سلطانی، ۱۳۹۰. این مقاله با دو مقدمه جامعه اخلاقی مطلوب و مقدمه بودن آن برای نیل به فوز و فلاح ابدی، به مهمترین ویژگی‌های اخلاقی جامعه مطلوب انسانی از نظر علامه طباطبایی پرداخته است.

تفاوت نوشتار حاضر با پژوهشهای انجام شده در این است که: به روش میان‌رشته‌ای نوشته شده است، از نتایج پژوهشهای میدانی بهره گرفته و با تلفیق با آیات قرآن به تأیید و تأکید آنها پرداخته است. هر سه بعد آسیب‌شناسی (مؤلفه‌ها، آسیبها، راهبردها) را مورد توجه قرار داده و در هر بخش به سه بعد شناختی، هیجانی و رفتاری پرداخته است.

ارتباط مطلوب در قرآن

ارتباط مطلوب در قرآن در سه مرحله تبیین مؤلفه‌های روابط مطلوب، تشخیص آسیبها، و در نهایت راهبردهایی برای ایجاد و استمرار روابط مطلوب قابل پیگیری است.

۱. مؤلفه‌های ارتباط مطلوب

همچنان که در علوم مختلف برای تبیین مسائل ابتدا حالت مطلوب شناسایی می‌شود، جهت تبیین ارتباط مطلوب نیز ابتدا لازم است مؤلفه‌های ارتباط مطلوب شناسایی شود، تا پس از آن بتوان نقاط ضعف و کمبودها را به عنوان آسیب معرفی نموده و راهبردهایی را جهت ارتقاء مؤلفه‌ها و کاهش آسیبها ارائه نمود.

۱-۱. مؤلفه‌های فردی

منظور از مؤلفه‌های فردی فاکتورهایی است که در فکر، احساس و رفتار فرد وجود دارد و به رشد و توسعه روابط کمک می‌کند. این مؤلفه‌ها در سه بخش شناختی، هیجانی و رفتاری قابل بررسی است.

۱-۱-۱. خودآگاهی (مؤلفه شناختی)

خودآگاهی فراتر از مفهوم خودشناسی، ساختاری سازش‌دهنده، پوششی و انسجام‌بخش است که از رشد ساختارها و فرایندهای شناختی و نیز عواطف و احساسات تنیده در آن حاصل می‌شود و شامل درک، توجه و آگاهی از ابعاد وجودی، ویژگی‌ها، افکار، احساسات، گرایشها و رفتارهای خود در طی فرایند زمان است (۱). در قرآن کریم شناخت و آگاهی نسبت به «خود» برای انسان امری واضح و میرهن است: *بَلِ الْإِنْسَانِ عَلَىٰ نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ* (القیامه، ۱۴). بصیرت به معنای رؤیت قلبی و ادراک باطنی است (۲) انسان شاهد بر نفس خویش (۳) و بینا به خودش و عملش می‌باشد (۴). یعنی به نفس خود معرفتی تام و کامل دارد (۵). هم به توانایی‌ها و کمالات و نقاط قوت خود و هم به کاستی‌ها، تقصیرات و نقاط ضعف خود:

إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ وَإِنَّهُ عَلَىٰ ذَلِكٍ لَّشَهِيدٌ (العاديات، ۶ و ۷). آیه می‌گوید: انسان روز قیامت بر کفرانگری خودش شهادت می‌دهد (۶)، شهادتی به حق، علیه خودش (۷). مقصود از شاهد بودن انسان علیه خودش، این است که انسان آگاه به کفرانگری خود است و بر ناسپاسی خود شاهد است (۲) و از آن آگاهی تام دارد. اما مسأله این است که گاهی بر دانایی و آگاهی خود پرده می‌افکند: *وَلَوْ أَلْقَىٰ مَعَاذِرَهُ* (القیامه، ۱۵): معاذیر جمع "معدار" به معنای ستر و پوشش است (۸) و معنای آیه به انضمام آیه قبل این است که انسان خودش را خوب می‌شناسد، هر چند که برای نماندن نفس خود پرده‌ها بیندازد (۲).

از سوی دیگر قرآن کریم با ارائه یک کلید طلایی میزان تکلیف هر کس را بر اساس وسع و توان او مقرر فرموده است و فراتر از توان فرد کسی را تکلیف ننموده است: *لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا* (البقره، ۲۸۶). کلمه وسع به معنای توانایی و تمکن است. یعنی آنچه فرد توان آن را داشته باشد و بر او فشار نیاورد و او را به تنگی و سختی نیندازد (۹). لازمه تشخیص میزان وسع و به تبع آن لازمه تشخیص میزان تکلیف هر کس آگاهی از حالات، احساسات و نقاط قوت و ضعف و در یک کلام خودآگاهی است. بنابراین در قرآن کریم خودآگاهی لازمه هرگونه تکلیف، اقدام و عملی است و این مهم به طور ذاتی در وجود انسان نهادینه شده است.

انسان خودآگاه انسانی خردمند است که برای تمام امور زندگی خود و از جمله در ارتباطات اجتماعی بر اساس شناختی صحیح از خود برنامه‌ریزی و عمل می‌کند.

۱-۱-۲. خودمهارگری (مؤلفه هیجانی)

خودمهارگری یک توانایی است که رفتار فرد را تا مرز قواعد و معیارهای پذیرفته شده بالا می‌برد. محور اصلی مفهوم خودمهارگری، توانایی شخص در بی‌اعتنایی به کششهای درونی یا تغییر آنها و نیز متوقف نمودن تمایلات نامطلوب و پرهیز از عمل نمودن بر اساس آنها می‌باشد (۱۰). خودمهارگری هشیارانه و ارادی بوده و به منظور دستیابی به اهداف عالی‌تر انسانی نیازمند تلاش و کوشش فرد می‌باشد.

خودمهارگری همان خویشنداری است که قرآن کریم از آن به تقوا تعبیر می‌کند.

تقوی در لغت از ریشه وقی به معنای حفظ و نگهداری شیء از چیزی است که به او آزار و آسیب می‌رساند (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۱۵: ۶۲۲) و نیز حفظ و نگهداری چیزی از خلاف و عصیان در خارج و در مقام عمل است، چنانکه عفت، حفظ نفس از تمایلات و شهوات نفسانی است (۱۱). معانی خویشنداری (صفری، ۱۳۷۴)؛ خودنگهداری (۱۲)؛ اجتناب، ترس، و تحاشی از گناه نیز از تقوا ارائه شده است که همه آنها به نحوی متضمن مفهوم مهار و بازدارندگی هستند. بنابراین، عنصر اساسی تقوا مهار نفس (خود) و بازدارندگی آن از امور متعارض با هدف می‌باشد. تنها نقطه تمایز خودمهارگری و تقوی انگیزه آن است. محور اساسی تقوا انگیزه الهی است (۱۳، ۱۴) که در خودمهارگری به آن توجهی نشده است. در قرآن کریم آیاتی وجود دارد که به مفهوم خودمهارگری دلالت دارند. از جمله: *يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ* (المائد، ۱۰۵) *عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ* یعنی خود را از معاصی حفظ کنید (المراغی، بی تا، ۷:

به افراد دیگری که چون او متصف به ایمان هستند ظن خیر داشته باشد. در آیه دوم مراد از ظنی که مسلمین مامور به اجتناب از آن شده‌اند، ظن سوء است (۲). یعنی افراد موظف هستند به دیگران خوش بین بوده و تا با دلایل یقینی مطمئن نشده‌اند درباره دیگران سوء ظن به خود راه ندهند.

از سوی دیگر بیان می‌کند که ظن جای حقیقت را نمی‌گیرد: «وَمَا يَتَّبِعْ أَكْثَرُهُمْ إِلَّا ظَنًّا إِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ» (یونس، ۳۶). جایی که به یقین نیاز است گمان سودی نمی‌بخشد. ظن نمی‌تواند جانشین یقین شود و فرد را از یقین بی‌نیاز کند (۱۶). زیرا حق در صورتی نفع می‌بخشد که انسان علم به حقایق آن داشته و از روی معرفت صحیح آن را بشناسد، و گمان این چنین نیست، زیرا ممکن است آنچه مورد گمان واقع شده برخلاف حقیقت باشد. اما در جایی که امکان دستیابی به یقین وجود ندارد نوبت به گمان می‌رسد. این گمان می‌تواند مثبت یا منفی باشد. از آنجا که قرآن از گمان بد نهی کرده است، پس راهی نمی‌ماند جز اینکه فرد حسن ظن و اعتماد را ملاک و سرلوحه رابطه خود با دیگران قرار دهد. حسن ظن یعنی با اینکه ظن است و نمی‌توان بر آن تکیه نمود اما فرد می‌تواند اعتماد کند و بر طبق آن عمل نماید. به عبارت دیگر اعتماد هم نوعی ریسک‌پذیری است (به دلیل عدم یقین و عمل به ظنی که نمی‌تواند به طور کامل بیانگر حقیقت باشد و انسان را قطعاً به حق برساند و همیشه احتمال خلاف آن وجود دارد)، و هم نوعی حسن ظن که قرآن به آن سفارش نموده است و با توجه به فطرت الهی و کرامت ذاتی انسان طبق شرایط و ضوابط عقلانی می‌توان آن را سرلوحه عمل قرار داد.

۱-۲-۲. امنیت (مؤلفه سیاسی)

امنیت به معنی دارا بودن ثبات، احساس آزادی از تهدیدات، اضطراب و خطر، و احساس ایمنی از صدمات احتمالی توسط دیگران تعریف شده است که دارای دو بعد ایجابی و سلبی است. از یک سو اطمینان و آرامش فکری و روحی و از سوی دیگر فقدان خوف و دلهره و نگرانی که موجب سلب اطمینان و آرامش می‌گردد (۱۷). امنیت در گفتمان ایجابی به تأمین و تضمین آسایش و آسودگی نظر دارد و در گفتمان سلبی بر نبود خطر و تهدیدات استوار است (۱۸).

در منطق قرآن امنیت نقطه مقابل خوف است. این واژه در آیه ۲۳۹ سوره بقره، ۸۳ سوره نساء، ۱۱۲ سوره نحل، ۵۵ سوره نور، و آیه ۴ سوره قریش مقابل واژه خوف به کار رفته است.

قرآن کریم یکی از نشانه‌های تمدن و رشد اجتماعی امم گذشته را وجود امنیت در زندگی آنها نام برده است: وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ (النحل، ۱۱۲). این آیه منشأ و مبدأ اطمینان و فزونی رزق را امنیت می‌داند. آنها به عنوان نخستین نعمت از جان و مالشان در امان بودند و در صحت و سلامت و کفایت رزق و روزی به سر می‌بردند و این سه باعث شده که آن قریه از نظر قرآن مثال زدنی باشد.

به دلیل جایگاه رفیع و نقش مهم امنیت در زندگی انسان، قرآن یکی از اهداف استقرار حاکمیت خدا و استخلاف صالحان و طرح کلی امامت را تحقق امنیت معرفی کرده است: وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ

۴۶؛ فخررازی، ۱۴۲۰، ۱۲: ۴۴۸). اصلاح، تطهیر و تزکیه همگی مفاهیمی هستند که نیازمند تسلط بر خود و مهار امیال و خواسته‌های غیرمعقول است. بنابراین عَلَيَكُمْ أَنْفُسُكُمْ یعنی مهار خویش را به دست گرفته و از آنچه خلاف مقام والای انسانی است نگه دارید.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا فُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا (التحریم، ۶) آیه دیگری است که صراحتاً به خودمهارگری فرمان می‌دهد. یعنی خودتان را از شری که نفس شما را به آن فرا می‌خواند حفظ کنید نفس در این تفسیر ناظر بر نفس اماره است که همواره انسان را به بدی‌ها فرمان می‌دهد و اگر با عقل و ایمان مهار نشود، انسان را به سقوط و تباهی می‌کشد.

۱-۳-۱. مهارت‌های ارتباطی (مؤلفه رفتاری)

مهارت‌های ارتباطی روش‌ها و شیوه‌های صحیح برقراری ارتباط مطلوب با دیگران است که به موفقیت در سایر بخش‌های زندگی کمک می‌نماید. این مهارت‌ها، مجموعه‌ای از توانایی‌ها هستند که باعث شکل‌گیری رفتار مطلوب اجتماعی می‌شوند. این توانایی‌ها فرد را قادر می‌سازند تا به راحتی با دیگران ارتباط برقرار نموده و از مزایای زندگی اجتماعی بهره‌مند گردد. این مهارت‌ها باعث کم شدن مشکلات رفتاری در ارتباط با دیگران و بهبود روابط اجتماعی می‌شود.

قرآن کریم با فرمان رَابِطُوا در آیه: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (ال عمران، ۲۰۰) انسان را از کنج عزت خارج نموده و به برقراری رابطه با سایر افراد جامعه فرمان می‌دهد. رَابِطُوا یعنی بر مسلمین لازم است که با هم مرتبط باشند مهارت‌های ارتباطی در قرآن کریم مجموعه‌ای از بایسته‌های اخلاقی، فکری و رفتاری است که به طور چشمگیری فرایند ارتباط میان افراد را بهبود می‌بخشد و کمیت آنها بسیار بیشتر از مهارت‌های بحث شده در علوم ارتباطات است. این مهارت‌ها در قرآن در دو بخش مهارت‌های کلامی و غیرکلامی (رفتاری) قابل پیگیری است که در پژوهش‌های مختلف به تفصیل تبیین شده است.

۱-۲-۱. مؤلفه‌های غیرفردی:

در حوزه ارتباطات همه چیز در اختیار فرد نیست. گاهی شرایط، فضا و محیط بر روابط افراد تأثیر می‌گذارد. در این بخش به چهار عامل تأثیرگذار بر رشد و بالندگی روابط که تغییر و تحول در آن تا حدود زیادی از دایره خواست و اراده فرد خارج است و می‌تواند بر چگونگی روابط میان فردی تأثیرگذار باشد پرداخته می‌شود.

۱-۲-۱. اعتماد اجتماعی (مؤلفه فرهنگی)

اعتماد در اصطلاح علوم جامعه شناختی به معنای حسن ظن و نیک‌گمانی نسبت به دیگران در روابط اجتماعی است به طوری که اعتماد کننده و اعتماد شونده به نسبت از سود و فواید آن بهره‌مند گردند (۱۵).

قرآن کریم از یک سو به حسن ظن دعوت می‌کند: «لَوْ لَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَأَنْفُسِهِمْ خَيْرًا (النور، ۱۲). و از سوء ظن نهی می‌نماید: «اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِنْ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ» (الحجرات، ۱۲). آیه اول می‌خواهد بفهماند کسی که متصف به ایمان است باید

قِيلِهِمْ وَيُمْكِنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أُمَّتًا (النور، ۵۵). این آیه که به زمان ظهور مهدی (ع) تفسیر شده است (۲۰) وعده جمیل و زیبایی است برای مؤمنینی که عمل صالح دارند، به آنان وعده می‌دهد که به زودی جامعه صالحی مخصوص به خودشان برایشان درست می‌کند و امنیت را جایگزین ترسی که داشتند می‌کند (۲). تغییر حالت از ترس به امنیت از جمله امتیازات جامعه مورد نظر است. و از آنجا که در زمره وعده استخلاف صالحان ذکر شده نشان می‌دهد که داشتن امنیت خواسته واقعی، به جا و به حقی است که وجود آن برای جامعه ضروری است.

احساس امنیت در دو بعد فردی و اجتماعی به طور مستقیم می‌تواند بر روابط میان فردی تأثیرگذار باشد. لازمه هر نوع ارتباطی ابتدا اعتماد به طرف مقابل و سپس اطمینان از عدم ایجاد مشکل در سطح اجتماعی است.

۱-۲-۳. عدالت (مؤلفه اقتصادی)

عدالت در لغت به معنای نهادن هر چیزی به جای خود، حد متوسط میان افراط و تفریط در قوای درونمی‌باشد. علامه طباطبایی معنای اصلی عدالت را اقامه مساوات میان امور می‌داند به این که به هر امری آن چه سزاوار است بدهی تا همه امور مساوی شود و هر کس در جای خود که مستحق آن است قرار گیرد (۲).

در قرآن کریم عدالت به معنای برپا داشتن مساوات و برقراری موازنه بین امور است، به طوری که هر چیزی سهم مورد استحقاق خود را داشته باشد. خداوند در قرآن هم به عدالت فردی فرمان می‌دهد و هم عدالت اجتماعی. عدالت فردی در آیه: اَعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى (المائدة، ۸). این آیه تأکید به امر عدالت است (مراغی، بی‌تا، ۶: ۶۹). به مومنان سفارش می‌کند که درباره همه مردم، دوست و دشمن، عادلانه رفتار کنند و به هیچ کس ظلم و ستم روا ندارند یعنی تک تک افراد در جامعه موظف به برخورد عادلانه در همه شرایط هستند.

و عدالت اجتماعی در آیه: إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ (النحل، ۹۰). در این آیه مراد از عدالت، عدالت اجتماعی است، و آن عبارت از این است که با هر یک از افراد جامعه طوری رفتار شود که مستحق آن است و در جایی جای داده شود که سزاوار آن است، و این خصلتی اجتماعی است که فرد فرد مکلفین مامور به انجام آنند گرفتن و دادن حق نیز از لوازم عدالت است. کوچک باشد یا بزرگ، فردی باشد یا اجتماعی، دینی یا سیاسی، اقتصادی یا فرهنگی و... عدالت در قرآن در همه حوزه‌های زندگی فردی و اجتماعی جاری و ساری است.

۱-۲-۴. حمایت اجتماعی (مؤلفه اجتماعی)

حمایت اجتماعی به احساس تعلق داشتن، پذیرفته شدن و مورد عشق و محبت قرار گرفتن اطلاق می‌شود و برای هر فرد، یک ارتباط امن به وجود می‌آورد که احساس محبت و نزدیکی یکی از ویژگی‌های اصلی این روابط است. حمایت اجتماعی ادراک شده بر وضعیت جسمی، روانی، رضایت از زندگی و جنبه‌های مختلف کیفیت زندگی افراد اثرات زیادی دارد و به عنوان یک عامل تعدیل کننده موثر در مقابله و سازگاری با شرایط استرس‌زای زندگی شناخته شده است.

بیشتر تعاریف اولیه از حمایت اجتماعی ریشه در درک افراد از محبوبیت و مورد توجه و احترام بودنشان دارد. اولین تعریف از حمایت اجتماعی آن را باور به این که فرد مراقبت شده، دوست داشته می‌شود، و دارای ارزش، اعتبار و احترام است می‌داند این تعریف در قرآن کریم با قانون تکریم بیان شده است، قانون گرامی‌داشت انسان: وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ (الإسراء، ۷۰). تکریم آن است که انسان مورد احترام و محبت دیگران قرار گیرد، به دلیل خصوصیت ویژه‌ای که در اوست و این خصوصیت ویژه همان انسانیت و مقام والای خلیفه الهی اوست که در تک تک انسانها ویژه و منحصر به فرد است.

در تعاریف بعدی حمایت اجتماعی میزان برخورداری از محبت، همراهی، مراقبت، احترام، توجه و کمک دریافت شده توسط فرد از سوی افراد دیگر تعریف شده است. این عناصر به طور عام در معنای احسان نهفته است که در قرآن کریم در موارد متعدد بدان امر شده است: وَأَحْسِنُ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ (القصص، ۷۷). احسان به معنای نیکی کردن و انتشار رحمت و ایجاد محبت است (۱۱).

در آخرین تعاریف، حمایت اجتماعی به معنی احساس تعلق داشتن، پذیرفته شدن و مورد عشق و محبت قرار گرفتن می‌باشد. رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ (الفتح، ۲۹) در قرآن کریم به خوبی گویای این تعریف است. بینهم در اینجا همان احساس تعلق و پذیرش از سوی دیگران است. یعنی تعلق داشتن به یک گروه که همان گروه ایمانی است و رُحَمَاءُ ابراز عطف و مهربانی اجتماعی است. رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ یعنی در بین خود مهربان و رحیمند و در صفت رقت و رحمت نسبت به یکدیگر ممتازند (۸).

یاری رساندن یکی دیگر از عناصر موجود در مفهوم حمایت اجتماعی است که در قرآن کریم با مفاهیمی چون تعاون، دستگیری از نیازمندان و... محقق می‌گردد.

۲. آسیب‌های ارتباط مطلوب

آسیب‌های ارتباط مطلوب ریشه‌های بی‌نظمی، اختلال و گسست در ارتباطات اجتماعی است. و ناظر به مجموعه مسائلی است که مانع برقراری روابط اجتماعی سالم، مشارکت با دیگران و انس و الفت با آنها می‌شود.

۱-۲-۱. آسیب‌های فردی

منظور از آسیب‌های فردی مشکلاتی است که به دلیل طرز فکر، عواطف، رفتار و کردار خاص فرد می‌تواند سبب اختلال و گسست روابط شود. این دسته عوامل در کنترل فرد بوده و با تسلط بر آنها و تعدیل آنها می‌توان اوضاع را در جهت عکس تغییر داد.

۱-۲-۱. خودشیفتگی (آسیب شناختی)

خودشیفتگی با احساس خودبزرگ بینی قوی، اشغال ذهنی موفقیت و قدرت و استعداد نامحدود مشخص می‌شود برخی صفات فرد خودشیفته عبارتند از: خود را عقل کل و فردی عالی و بی‌نظیر تصور می‌کنند و تصویری که از خود دارند قوی‌تر از خود واقعی آنها است. ضعف‌ها و نواقص خود را به صورت حسن می‌بینند و به کمک منطق‌سازی و تحریف، آنها را نماینده یک شخصیت قوی و بی‌نقص می‌پندارند، چیزی شبیه همان که قرآن می‌فرماید: يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا (الكهف، ۱۰۴). این تصورات ایده‌آل سبب کبر و

۲-۱-۳. تضييع حقوق (آسيب رفتاری)

منظور از آسیب رفتاری اخلاق و رفتار ناپسند و ناخوشایندی است که هر انسان متعادل و سالمی را آزرده خاطر می‌سازد، در روابط میان انسان‌ها خلل ایجاد می‌کند و روابط را از حالت سودمند و لذت‌بخش خارج نموده و ایجاد اختلاف و شکاف می‌نماید و در نهایت اجتماعات مفید و ارزشمند را مبدل به روابطی خشک و ناخوشایند می‌سازد.

زندگی اجتماعی و ارتباط مداوم انسان‌ها با یکدیگر به دلایل مختلف بر عهده هر یک از افراد حقوق و وظایفی را واجب می‌سازد که نقش مهمی در استمرار و دوام و یا زوال و از هم پاشی روابط میان‌فردی دارد (۱۶).

حقوق امتیازاتی است که از سوی خدا یا عرف یا قانون‌گذار برای فرد یا گروه و جامعه‌ای وضع می‌شود. در متون دینی پس از حق‌الله، حق‌الناس مهمترین اموری است که از آن بازخواست خواهد شد و در صورت تعدی و تجاوز تا از جانب صاحب حق بخشوده نشود آمرزیده نخواهد شد. پس همگان موظف به رعایت حقوق دیگران هستند و هیچ‌کس به هیچ‌عنوان حق ندارد به حقوق دیگری تعدی و تجاوز نماید و آن را زیر پا گذارد.

در منطق قرآن تساوی در حقوق انسانی از امور ثابت است (حجرات، ۱۳؛ نساء، ۳۲) و یکی از اصول بنیادین اسلام، محترم بودن حقوق همه انسانها نسبت به یکدیگر است (شوری، ۴۲). به همین دلیل تجاوز به حقوق دیگران امری ناروا و نکوهیده است (فجر، ۱۹) و کسانی که به این حقوق تجاوز می‌کنند سزاوار مجازات هستند (شوری، ۴۲).

از نظر قرآن، همه انسان‌ها بی‌هیچ تفاوتی دارای حقوقی هستند که هیچ تبعیض‌بردار نیست. و خداوند کوچکترین ظلمی را در حق احدی بر نمی‌تابد: وَمَا اللَّهُ بِرَبِّدُ ظَلَمًا لِّلْعَالَمِينَ (آل عمران، ۱۰۸).

قرآن کریم در یک فرمان عمومی نسبت به حقوق مردم می‌فرماید: وَلَا تَجْسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَ هُمْ (هود، ۸۵). این بخش از آیه که در آیه ۸۵ سوره اعراف و آیه ۱۸۳ سوره شعرا نیز تکرار شده مردم را از هر نوع دست‌درازی و تضييع حقوق دیگران باز می‌دارد. می‌فرماید: حقوق مردم را کم ندهید و مانع آن نباشید (طبرسی، ۱۸: ۱۸۶). بخش در اصل به معنی کم گذاردن ظالمانه از حقوق مردم، و گاه به معنی تقلب و نیرنگی است که منتهی به تضييع حقوق دیگران می‌گردد، بنابراین جمله فوق دارای معنی وسیعی است که هر گونه غش و تقلب و تزویر و خدعه در معامله، و هر گونه پایمال کردن حق دیگران را شامل می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۱۵: ۳۳۴). هر گونه دست‌درازی و پایمال نمودن حقوق در روابط تأثیری حیاتی بر دوام و بقاء ارتباطات دارد که با سایر مقوله‌ها حتی قابل مقایسه نیست.

۲-۲. آسیب‌های غیرفردی

علاوه بر مسائل فردی که از طرز تفکر، احساس و رفتار فرد سرچشمه می‌گیرد و سبب ایجاد اختلال در روابط می‌شود برخی مسائل غیرفردی نیز وجود دارد که خاستگاهی غیر از اراده و رفتار فرد دارد و باعث ایجاد فضا، شرایط و موقعیتی می‌گردد که بر کردار فرد تأثیر گذاشته و آن را از حالت مطلوب و مؤثر خارج می‌نماید. این آسیب‌ها از طریق ایجاد فضای ارتباطی بر روابط تأثیر می‌گذارد و نقش مهمی در چگونگی روابط اجتماعی دارد.

خودپسندی فرد می‌شود. شخص تصویری از خویش می‌سازد که به میزان قابل توجهی با آنچه واقعی است فاصله دارد. ممکن است زیبایی، هوش، سخاوت، تقدس، صداقت، شرافت، شجاعت یا هر چیز دیگری که مورد نظر و مقتضای شخصیت او است را به صورت ایده‌آل و بی‌نقص در خود به تصور درآورد. همان‌که قرآن می‌فرماید: يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ عَلَىٰ شَيْءٍ (المجادلة، ۱۸). هر مقدار این تصورات ایده‌آلی غیرواقعی‌تر باشد، شخص را متزلزل‌تر و بیشتر محتاج تصویب و تمجید دیگران می‌کند.

نزدیکترین مفهوم به معنای خودشیفتگی در قرآن کریم کبر است. کبر را عزیز و بزرگ شمردن خود بر دیگران تعریف نموده‌اند. کبر حالتی است که فرد خود را بالاتر و برتر از دیگران ببیند و فکر کند بر دیگران برتری و رجحان دارد کبر و خودشیفتگی در بسیاری از نشانه‌ها مشترک هستند و الگوی رفتاری تقریباً یکسانی دارند، ولی نشانه‌ها در کبر شمول بیشتری دارند و تعداد بیشتری از رفتارها را در بر می‌گیرد (۱۴).

قرآن کریم از اعمال و کردار متکبرانه نهی کرده است. آیات در این باب بسیار است. به عنوان نمونه درباره گردن‌فرازی می‌فرماید: وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّكَ لَن تَخْرِقَ الْأَرْضَ وَلَا تَتَّبِعَ الْأَجْبَالَ طَوًّا. جمله: لَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا، نهی است از اینکه انسان به خاطر تکبر خود را بیش از آنچه هست بزرگ بداند، و اگر مساله راه رفتن به مرح را مورد نهی قرار داد، برای این بود که اثر همه آن انحراف‌ها در راه رفتن نمودارتر می‌شود. این نشان می‌دهد که تکبر و غرور، حتی در سطح ساده‌ترین آثارش، مذموم و ناپسند است. و نیز نشان می‌دهد که صفات درونی انسان، هر چه باشد خواه ناخواه خود را در لابلای اعمالش نشان می‌دهد، در طرز راه رفتن، در نگاه کردن، در سخن گفتن و در همه کار، و این نمود ظاهری است که سبب اختلال در روابط میان فردی می‌گردد.

۲-۱-۲. ناسازگاری (آسیب هیجانی).

ناسازگاری اجتماعی ناتوانی در ایجاد ارتباط با دیگران به طریقی است که در عرف جامعه قابل قبول و ارزشمند باشد و فرایندی است که مانع می‌شود افراد رفتار خود را کنترل، رفتار دیگران را درک و پیش‌بینی، و تعاملات اجتماعی را تنظیم کنند.

قرآن کریم در باب ارتباط و معاشرت با دیگران به سازگاری و معاشرت معروف فرمان می‌دهد: وَ عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنَّ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَمَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَ يُجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا (النساء، ۱۹). مضمون این آیه اگر چه مربوط به معاشرت با زن در محیط خانه و خانواده است اما در واقع اصلی قرآنی، برای زندگی اجتماعی انسان و برای هر نوع معاشرت در فضای اجتماعی است. می‌فرماید: با زنان به معروف معاشرت کنید و با ناسازگاری‌های آنها سازگار و بردبار باشید. معاشرت، زیست با هم و یا تبادل حق است و معروف به معنای هر امری است که مردم در مجتمع خود آن را بشناسند، و آن را انکار نکنند و به آن جاهل نباشند (۴). یعنی با هم از سر سازگاری وارد شوند، رفتار خود را مطابق معیارها و آداب و رسوم اجتماعی، متناسب با فرهنگ، قوانین و مقررات تنظیم نموده و از آنچه خلاف عرف و شرع است بپرهیزید. دقیقاً همان چیزی که در تعریف سازگاری اجتماعی آمده است.

۲-۱. فردگرایی (آسیب فرهنگی)

فردگرایی یک واژه مهم و مختص ویژگی‌های اجتماعی فرهنگی و سیاسی دوران مدرن است و برای تبیین رابطه جدید فرد و جامعه و جایگاه جدید فرد در جامعه مدرن به حوزه جامعه‌شناسی وارد شده است. فردگرایی نوعی الگوی شخصیتی است که فرد خود را به عنوان یک موجودیت مجزا و متمایز در نظر می‌گیرد. در این الگو رفتارها به وسیله ترجیحات و انتخاب‌های فردی و میزان سود و زیان تحلیل می‌شود و در آن انفصال احساسی از گروه وجود دارد و در صورت تضاد بین اهداف فردی و اهداف گروهی اهداف فردی در اولویت قرار می‌گیرد.

قرآن کریم انسان‌ها را به سمت روحیه جمعی دعوت می‌کند و آنها را نسبت به جامعه بی‌تفاوت و مهمل نمی‌گذارد که انسان‌ها به میل خود فردگرا یا جمع‌گرا باشند؛ بلکه آنها را به داشتن روابط اجتماعی و ساختن اجتماعی سالم و راقی و دوری از تفرقه و جدایی فرمان می‌دهد. فردگرایی و جدایی از اجتماع مورد نهی قرآن و امری ناپسند است. اما قرآن در دو مورد کناره‌گیری از اجتماع را ستوده و از آنها به خوبی یاد کرده است: مورد اول داستان حضرت ابراهیم (ع) و فرار او از جامعه شرک‌آلود نمرودی است (مریم، ۴۹). مورد دوم رهبانیت اصحاب حضرت عیسی است که رهبانیت را ابداع نموده و از مردم کناره گرفتند و دنیا را فرو گذاشته و به امر آخرت مشغول شدند که البته به درستی از عهده آن برنیامدند (الحدید، ۲۷). اما اسلام رهبانیت را نپذیرفته و پیامبر اکرم (ص) با بیان: لَا رَهْبَانِيَّةَ فِي الْاِسْلَامِ (۱۴) آن را مردود شمرده و با عنایت فراوان به امر اجتماع از آن نهی فرموده‌اند و در مقابل مسئله زهد را مطرح نموده‌اند که به معنی سادگی در زندگی و آزادی و وارستگی از اجتماع و زیر بار تجملات اجتماعی نرفتن است که حیات اجتماعی را سالم نگه می‌دارد و پیوندهای اجتماعی را مستحکم نموده و اجتماعی وارسته بنا می‌کند.

بنابراین از منظر قرآن فردگرایی هنگامی که بارهایی از اجبارهای اجتماعی و شرایط ستم‌گرایانه در ارتباط است، امری مثبت؛ و هنگامی که از جهت جدایی از دیگران و نبود احساس تعهد متقابل به آن نگرسته شود یعنی به معنای سعی در تحقق خواسته‌های فردی از طریق بی‌توجهی به جمع، به عنوان یک شاخص منفی مورد توجه قرار می‌گیرد.

۲-۲-۲. حزب‌گرایی (آسیب سیاسی)

حزب هر گروه سیاسی دارای یک عنوان رسمی است که در انتخابات شرکت کرده و این امکان و توانایی را دارد که از طریق انتخابات نامزدهای مورد نظر خود را در رأس پست‌ها و مناصب عمومی جامعه قرار دهد (۵).

در منطق قرآن حزب تجمع و گروهی است که بر اندیشه و هدف واحدی توافق داشته باشند (۳). و جماعتی است که دارای یک مسلک و یک مذهب هستند و بقیه احزاب را لعن و طرد می‌کنند (۱۲). و همین لعن و طرد است که آن را در زمره آسیبهای روابط اجتماعی درمی‌آورد.

با توجه به تأکید قرآن بر پرهیز از تفرقه‌گرایی و تشکیل امت واحده از آیات قرآن چنین برداشت می‌شود که اگر تعدد احزاب و رقابت آنها و دیدگاه‌های حزبی در حد تفاوت سلیقه و در جهت

شکوفایی استعدادها متناسب با شرایط زمانی و مکانی باشد و همه آنها تجلی یک حقیقت باشند، نه تنها منعی ندارد بلکه ضرورت زندگی اجتماعی و لازمه حرکت است؛ ولی اگر این تعدد منجر به تکه‌تکه شدن جامعه، از بین رفتن یک‌دستی و یک‌دلی میان افراد و صرف قوا جهت پیکار بر سر تقسیم قدرت و مواهب سیاسی و بدون توجه به مصالح جمعی و ارزش‌های والا باشد راهی به بیراهه خواهد بود و چنین تحزبی از نظر قرآن مورد نکوهش و در تضاد با رفتارهای انسانی است و از خاستگاهی با هواهای نفسانی و خصوصیات ناپسند برخوردار می‌باشد.

۲-۳-۳. اختلاف طبقاتی (آسیب اقتصادی)

تعریف عام از طبقه اجتماعی عبارت است از: بخشی از جامعه که به لحاظ داشتن ارزش‌های مشترک، منزلت اجتماعی معین، فعالیت‌های دسته جمعی، میزان ثروت و دیگر دارایی‌های شخصی، میزان دسترسی به مواهب و آداب معاشرت، با دیگر بخش‌های جامعه متفاوت باشد. طبقه‌بندی افراد و گروه‌های اجتماعی براساس سه معیار درآمد، شغل و تحصیلات است.

از نگاه قرآن در اصل وجودی انسان‌ها هیچ طبقه‌ای وجود ندارد و همگی امت واحده هستند. همان که قرآن کریم می‌فرماید: كَانِ النَّاسُ اُمَّةً وَّاحِدَةً. اما ادامه آیه بیانگر اختلافی میان انسان‌ها است که لازمه حیات اجتماعی است. قَبَعَتِ اللّٰهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَّ مُنذِرِينَ وَاَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِيمَا اَخْتَلَفُوا فِيهِ (البقره، ۲۱۳). این اختلاف، اختلاف در امور مادی و زندگی مادی است (۴).

از منظر قرآن وجود طبقات اجتماعی امری ضروری و لازمه حیات و استمرار اجتماع انسانی به شمار می‌رود و می‌توان گفت طبقات اجتماعی در قرآن صبغه و جنبه الهی دارند (جوادی‌آملی، ۱۳۸۷: ۱۲۳). افراد انسان روی هم‌رفته یک درخت بزرگ و بارور را تشکیل می‌دهند، که هر دسته بلکه هر فردی رسالت خاصی در این پیکر بزرگ بر عهده دارد، و متناسب آن ساختمان مخصوص به خود (۷).

در نهایت قرآن کریم برای اثبات توحید ربوبی با استناد به وحدت منعم مثلی می‌زند که مضمون آن بیانگر تفاوت عمده میان طبقات مختلف اجتماعی است: ضَرَبَ اللّٰهُ مَثَلًا عَبْدًا مَمْلُوكًا لَا يَقْدِرُ عَلٰی شَيْءٍ وَّ مِنْ رَزَقْنَاهُ مِنَّا رِزْقًا حَسَنًا فَهُوَ يُنْفِقُ مِنْهُ سِرًّا وَّ جَهْرًا هَلْ يَسْتَوُونَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ بَلْ اَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (النحل، ۷۵). حاصل آیه این است که مملوکی که قادر بر تصرف در چیزی نیست و نمی‌تواند چیزی به کسی بدهد، با مالکی که مالک رزق است و می‌تواند در آن تصرف کند و هر طور که بخواهد انعام کند، برابر و یکسان نیستند (۶). توانایی‌ها، اختیارات، و میزان تصرفات هر یک با هم متفاوت است و به همین دلیل از نظر شأن و منزلت اجتماعی نیز متفاوت خواهند بود. این شأنیت تا زمانی که سبب توهین و تحقیر نشود برای افراد مایه رشد و لازمه حیات به شمار می‌رود اما زمانی که وسیله فخرفروشی و آزار و اذیت گردد آسیب جدی برای روابط به شمار می‌رود.

۲-۳-۴. تعارض (آسیب اجتماعی)

تعارض در روابط بین شخصی اشاره به عدم توافق، اختلاف و اصطکاک‌هایی دارد که در مواقعی که اعمال یا باورهای فرد یا افرادی برای افراد دیگر غیرقابل‌پذیرش باشد و مورد مقاومت قرار

«انضباط فکری» ترکیبی نو و بدیع، ناظر بر نظم و انضباط در حوزه تفکر و شناخت است و به اندیشه کنترل شده و سنجیده نظر دارد. فکر صحیح در قرآن دارای ساختاری نظام‌مند شامل هر چهار رکن اساسی (مبانی، مقدمات، الزامات و موانع) یک شبکه نظام‌مند و سیستماتیک است.

در بخش مبانی می‌توان به لزوم شکرگذاری منعم (نحل، ۷۸)، تمایز از سایر موجودات (فرقان، ۴۴)، ممانعت از ورود به دوزخ (ملک، ۱۰)، مسئولیت اعضا (اسراء، ۳۶)، برتری اهل تفکر (انعام، ۵۰)، پلیدی بی‌خردان (یونس، ۱۰۰)، سقوط به جایگاه بدترین موجود (انفال، ۲۲)

در مقدمات به تقوی (بقره، ۱۹۷)، حلم و بردباری (رعد، ۱۹ و ۲۲)، پیروی از امیال (نجم، ۲۳ و جاثیه، ۲۳)، کثرت‌گرایی (انعام، ۱۱۶) شخصیت‌گرایی (احزاب، ۶۷)، تقلید کورکورانه (بقره، ۱۷۰) در الزامات به آزادی اندیشه (بقره، ۶۲)، احترام به آراء و اندیشه‌ها (انعام، ۱۰۸)، پرسشگری (انبیاء، ۷)، حقیقت‌جویی (مائده، ۸۳)، علم (عنکبوت، ۴۳)

و در بخش موانع به تهدید (یوسف، ۵۹ و ۶۰)، ترس (اسراء، ۳۱ و مائده، ۵۴)، عجله و شتاب زدگی (انبیاء، ۳۷)، حب و بغض (آل عمران، ۱۱۸)، خشم و غضب (اعراف، ۱۵۰) اشاره نمود.

۳-۲. انضباط هیجانی (راهبرد هیجانی)

«انضباط هیجانی» ترکیبی نو و بدیع، ناظر بر نظم و انضباط در حوزه احساسات و هیجانات است. انضباط هیجانی به احساسات کنترل شده و سنجیده نظر دارد و کسی که انضباط هیجانی دارد مهار احساسات و عواطف خود را در دست داشته و خود را از طغیان هیجانات و عمل نسنجیده بر اساس آن حفظ می‌کند، احساسات خود را منطبق با ضوابط و اصول تنظیم نموده، در ابراز هیجانات حدود را مراعات می‌کند و طبق اصول و ضوابط و قانونمند عمل می‌نماید. انضباط هیجانی در قرآن دارای ساختاری کامل شامل هر چهار رکن اساسی یک شبکه نظام‌مند و سیستماتیک است.

مبانی انضباط هیجانی در قرآن: اختصاص خداوند در علم به خیر و شر واقعی (بقره، ۲۱۶)، گذر دنیا و بازگشت به سوی خدا (آل عمران، ۱۴)، آگاهی و احاطه خداوند بر امور (حجر، ۹۷)، حکومت اراده خداوند در امور (حدید، ۲۲ و تغابن، ۱۱)، برتری در سایه ایمان، همراهی خدا (آل عمران، ۱۳۹)، انحصار عزت در خداوند (یونس، ۶۵)، زوال غم و اندوه به خواست خدا (طه، ۴۰)، بازگشت به سوی خدا (لقمان، ۲۳)؛

مقدمات آن: به پیروی از دستورات الهی (بقره، ۳۸)، نیایش از روی خوف و رجاء (اعراف، ۵۶)، شادی به فضل الهی (یونس، ۵۸)، درک زودگذری دنیا (رعد، ۲۶)؛ اجتناب از ولایت شیطان (آل عمران، ۱۷۵)، عدم ترس از مردم (مائده، ۴۴)؛

الزامات آن: صبر (نحل، ۱۲۷)، کظم غیظ (آل عمران، ۱۳۴)، بخشش (شوری، ۲۷)، شکایت به خدا (یوسف، ۸۶)؛

و موانع انضباط هیجانی: خشم (اعراف، ۱۵۰)، کم طاقتی (کهف، ۶) و شادی به غیر حق (غافر، ۷۵) می‌باشد.

۳-۳. انضباط گفتاری (راهبرد رفتاری)

گیرد روی می‌دهد (وندباس، ۲۰۰۷). تعارض گسترده‌ای از واکنش‌های افراد نسبت به یکدیگر را شامل می‌شود که از عدم توافق ساده آغاز شده و می‌تواند به یک جنگ آشکار خاتمه یابد.

داستان‌ها و گزارشات قرآنی پر از مواردی است که بیانگر انواع تعارض میان افراد و قوم‌ها و عقاید مختلف و متعارض است؛ که با بررسی آن‌ها می‌توان مسأله تعارض و سبک‌های مقابله با آن را موشکافانه دنبال نمود.

قرآن کریم با صراحت و نیز با بیان نمونه‌های متعدد از دو نوع تعارض سخن می‌گوید. اول: اختلاف نظر و تعارض در خواسته‌ها و سلیقه؛ و دوم: اختلاف و تعارض در باورها و عقاید (اختلاف در دین). آیه ۲۱۳ سوره بقره این دو نوع تعارض را بیان می‌کند: *كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ هُمَانِ اخْتِلافِ اُولِ* است که اختلاف در امور مادی و زندگی مادی است. *وَمَا اخْتَلَفَ فِيهِ اِلَّا الَّذِينَ اَوْتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمُ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ اخْتِلافِ* دومی یعنی اختلاف در امر دین است (۳)

قرآن با بیان برخی آثار مخرب تعارض و نیز راهبردهایی برای مدیریت آن بیان می‌دارد که هر دو نوع تعارض می‌تواند به شکلی سازنده و عاقلانه و حق طلبانه حل شود، و یا با خودخواهی، تعصب، لجاجت، زورگویی، سلطه‌طلبی و... به نزاع، کشمکش و دشمنی بیانجامد. بنابراین تعارض در قرآن چهار شکل متفاوت به خود می‌گیرد: ۱. تعارض طبیعی سازنده ۲. تعارض طبیعی غیرسازنده ۳. تعارض دینی سازنده ۴. تعارض دینی غیرسازنده. در قرآن کریم برای هر یک از این چهار نوع نمونه‌های فراوانی می‌توان یافت. از جمله برای نوع اول: تعارض موسی و خضر (کهف، ۶۵-۸۲)؛ نوع دوم: داستان حسادت برادران یوسف (یوسف، ۸-۱۸)؛ نوع سوم: داستان مباحله (آل عمران، ۶۴)؛ و نوع چهارم: اختلافات یهود و نصاری (بقره، ۱۱۳ و توبه، ۳۰) را می‌توان نام برد.

تعارض سازنده به صورت حفظ انعطاف‌پذیری، تعامل همراه با تمایل به منظور یادگیری، و در محوریت قرار دادن رابطه و نه افراد تعریف می‌شود تعارض سازنده بر حق طلبی و راه‌حلهای عاقلانه و مثبت استوار است و تعارض غیرسازنده بر خودخواهی، خودمحوری و راه‌حلهای استبدادی. تعارض سازنده منجر به تبیین و حل مسائل و مشکلات می‌شود، به افراد در توسعه ادراک و فهمشان کمک می‌کند، شک و تردیدها را برطرف کرده و افراد را به راه صواب رهنمون می‌شود. تعارض غیرسازنده افراد را از یکدیگر دور نموده، و ایجاد شک و تردید و کدورت و دشمنی و تفرقه می‌نماید. تعارض غیرسازنده با سرکشی و تجاوز تکذیب و تبطیل طرف مخالف همراه بوده (بقره، ۱۱۳) و در نهایت به دشمنی و رقابت‌های ناسالم می‌انجامد.

۳. راهبردهای ارتباط مطلوب

قرآن کریم با ارائه الگوهای رفتاری مطلوب منبعی غنی از راهبردهای مناسب مقابله‌ای برای فرد فراهم می‌کند که فرد را قادر می‌سازد در تطابق با رویدادها و سازگاری با شرایط مختلف بهتر عمل کند و در نتیجه ارتباط بهتری را با سایرین تجربه نماید.

۳-۱. انضباط فکری (راهبرد شناختی)

از این سه بخش و از دست دادن کنترل بر آنها رفتار اجتماعی فرد را از حالت معقول و مطلوب خارج نموده و سبب دلزدگی و ایجاد اختلال می‌گردد.

از جمله محدودیت‌های پژوهش می‌توان به کمبود منابع میان‌رشته‌ای قرآن و علوم ارتباطی و روانشناسی و مشخص نبودن مباحث مرتبط با این موضوعات در تفاسیر موجود اشاره نمود؛ که کار پژوهشگر را برای جستجوی آیات مرتبط با موضوعات از این دست دوچندان می‌نماید.

استمرار تحقیقات این‌چنینی می‌تواند در به روزرسانی آیات قرآن، تبیین علمی آیات، آشنایی نسل جوان با آموزه‌های متعالی قرآن و کاربردی نمودن آن در جامعه امروز نقش بسیاری داشته باشد. امید است که مورد توجه پژوهشگران قرار گیرد.

Reference

1. Latifian, Morteza; Saif, Diba (1386). Investigating the effect of self-awareness on students' interpersonal relationship disorders. *Journal of Social and Human Sciences of Shiraz University*, vol. 3, p. 138.
2. Tabatabaei, Seyyed Mohammad Hossein. (1374). *Tafsir al-Mizan*. Translated by Seyyed Mohammad Bagher Mousavi. Qom: Islamic Publications Office.
3. Siyuti, Jalaluddin. (1404). *Al-Dur al-Manthur fi Tafsir al-Mathur*. Qom: Ayatollah Murashi Najafi Library.
4. Siyuti, Jalaluddin. (1404). *Al-Dur al-Manthur fi Tafsir al-Mathur*. Qom: Ayatollah Murashi Najafi Library.
5. Fakhrazi Muhammad bin Omar. (1420). *Mofatih al-Ghaib*. Beirut: Al-Arizadeh Al-Trath Al-Arabi et al., 1391).
6. Shazli, Seyyed bin Qutb bin Ibrahim. (1412). *In the shadows of the Qur'an*. Beirut: Dar al-Shorouk.
7. Zaheli, Wahba bin Mustafa. (1418). *Al-Tafsir Al-Munir in Al-Aqeedah, Al-Sharia, and Al-Manhaj*. Beirut: Dar al-Fekr al-Mawdakh.
8. Zamakhshari, Mahmoud. (1407). *Al-Kashaf on the truths of Gawamaz al-Tanzil*. Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi.
9. Zamakhshari, Mahmoud. (1407). *Al-Kashaf on the truths of Gawamaz al-Tanzil*. Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi.

«انضباط گفتاری» ترک-یبی بدیع و نو، ناظر بر نظم و انضباط در حوزه گفتار است. نظم در گفتار، جلوه‌ای از نظم شخصی، در حوزه ارتباطی است.

مبانی انضباط گفتاری در قرآن: حق‌گویی و حق‌خواهی خداوند به عنوان خالق انسان (النساء، ۱۷۱)، ثبت و ضبط گفتار (ق، ۱۸)، اثرگذاری گفتار (المائدة، ۸۵)؛

مقدمات آن: تفکر پیش از سخن و موقعیت‌شناسی (مائده، ۱۰۱) تعادل (انعام، ۱۵۲)، رعایت ادب و احترام در مقام گفتار (البقره، ۱۰۴)، عمل به گفتار (الصف، ۳)، نرم‌گفتاری (طه، ۴۴)، چهل در گفتار (البقره، ۱۶۹)، جدل در گفتار (انعام، ۱۲۱)، تندی در گفتار (اسراء، ۲۳)، تکلف در گفتار (ص، ۸۶)

الزامات آن: سدید بودن (احزاب آیه ۷۰ و ۷۱)، میسور بودن (اسراء، ۲۸)، معروف بودن (احزاب، ۳۲)، حسن و احسن بودن (بقره، ۸۳ و اسراء، ۵۳)، کریم بودن (اسراء، ۲۳)، بلیغ بودن (نساء، ۶۳) حق بودن گفتار (النساء، ۱۷۱)

و موانع آن: گفتار گناه آلود (مائده، ۶۳)، گفتار نسنجیده (النساء، ۹۴)، گفتار لغو (قصص، ۵۵) و گفتار زور (حج، ۳۰) می‌باشد.

نتیجه‌گیری

از آنچه گذشت به دست می‌آید که ابعاد مختلف ارتباط مطلوب در قرآن کریم به دقت و با فراوانی قابل ملاحظه‌ای مورد توجه قرار گرفته است.

در شناسایی حالت مطلوب قرآن کریم مؤلفه‌هایی را مطرح می‌نماید که ظهور و بروز آنها تا میزان زیادی از ایجاد اختلال و آسیب در روابط می‌کاهد.

در شناسایی آسیب‌ها، قرآن کریم با دقت و ظرافتی وصف‌ناپذیر که حاصل شناخت دقیق و همه‌جانبه انسان می‌باشد، نقاط ضعف و آسیب فرد در روابط را به خوبی تبیین و برای کاهیدن از میزان آن راهبردهای عملیاتی ارائه نموده است که عمل بر اساس آنها سبب ریشه‌کن شدن آسیب‌ها می‌گردد و تحولی عمیق در روابط میان فردی ایجاد می‌نماید.

در مبحث راهبردها، قرآن کریم منشوری برای برقراری ارتباط مطلوب و رفع معضلات بین‌فردی و الگویی برای پیشگیری از بروز آسیب‌ها و ناهنجاری‌های روابط اجتماعی است. در ساختار نظام شناختی، هیجانی و گفتاری قرآن هر چهار رکن اصلی یک نظام (اصول و مبانی، الزامات، مقدمات، و موانع) با دقت و ریزینی مورد توجه قرار گرفته است. توجه به اصول و مبانی، انگیزه‌ای قوی برای مدیریت و سامان دادن به فکر، احساس و رفتار بر طبق اصول و موازین در فرد ایجاد می‌نماید. این انگیزه، به فراهم نمودن مقدمات کمک کرده و راه را برای عمل به الزامات و پرهیز از موانع باز می‌نماید. و در نهایت با عزمی راسخ و اراده‌ای استوار، نظامی همه‌جانبه در فرد ایجاد می‌شود که هم روابط فرد را اصلاح می‌نماید، و هم باعث از بین رفتن آسیب‌های روابط اجتماعی و بهبود روابط میان فردی و ارتباطات اجتماعی می‌شود.

هر چه میزان تسلط فرد بر فکر، احساسات و رفتارش بیشتر شود تعامل فرد از تعادل و انسجام بیشتری برخوردار است و در ارتباطات به موفقیت بیشتری دست خواهد یافت. عدم مدیریت در هر یک

10. Tanjeni et al. (2004). Self-control questionnaire. Iranians of research.
11. Mustafavi, Hassan. (1430). Researching the words of the Qur'an. Beirut: Dar al-Kitab al-Alamiya.
12. Motahari, Morteza. (1368). Society and history. Tehran: Sadra Publishing House,
13. Ibn Faris, Ahmad. (1404). Dictionary of comparisons. Qom: School of Islamic Studies.
14. Ragheb Esfahani, Hossein bin Mohammad. (1412). Vocabulary words of the Qur'an. Beirut: Dar al-Qalam.
15. Talebi, Mohammad. (2016). Trustworthiness is the factor of social trust. Tehran: Keihan.
16. Maraghi Ahmed bin Mustafa. (without). Tafsir al-Maraghi. Beirut: The Revival of Arab Heritage.
17. Kazemi brothers, Bahram. (1386). Security in the Islamic political system, security and its dimensions in the Holy Quran. Islamic Studies Quarterly, No. 57
18. Navidnia, Manijeh. (1384). Multiplicity of security: national, public and social security. Social security studies, numbers 2 and 3.
19. Tousi, Mohammad Bin Hasan. (Beta). Al-Tabyan in Tafsir al-Qur'an. Beirut: The Revival of Arab Heritage.
20. arosi Howizi, Abdul Ali bin Juma. (1415). Tafsir Noor al-Saghalin. Qom: Ismailian